رضانامجو|«ضدزرد»عنوان جریانی است که به تاز گی از سـوی تعـدادی از چهر دهای حــوزه ترانه بــه راه افتاده اســت. افشــين سورد بر در بیارد. بداللهی، روز به بمانی، سعید کریمی و بر خی ز ترانه ســراهای دیگر کــه دو هفته درمیان از ترائهس يلسات ترانه خوانى ونقد ترانه را در سلسله جلسات خانه ترانه برگزار می کنند، از جمله . افرادی هستند که این جریان را پیگیری میکنند. یداللهی خود در این باره می گوید: «مدتهاست که در فضاههای حقیقی و مجازىشاهدرواجفرهنگسطحىنگرىدر برخورد با مسائل اجتماعی، عاطفی، هنری صاحب اثر، بدُون کمترین تـلاش برای نقد بیطرفانه آن، یکی از مسائل نگران کننده امروز فرهنگ و هنر ماست کـه منجر به ید کیفیت آثار شدہ است؛ چون نوليد كنندگان، خودرا پڏيرفته شده بي قيد و شُـرط میدانند و نگـران از دسـت مخاطبان شان به دنبال نقداین آثار نیس ت دادن پیشنہاد می کنم کسانی کہ بہعنوان یک ییسنهاد می نیم نسبایی نه به معون یک انسبان اعــماز هنرمند، هنردوست واهل فرهنــگ، در برایـر فرهنگ و هنــر جامعه احساس مســئولیت می کنند، حرکتی را با عنوان ضدزردو با نشــان دادن واکنشهای ئولانه، منطقي و محترمانه و بي تعارف در شبکُههای اجتماعی و فضًاهای مجازی و حقيقى شروع كنند تابه تدريج شاهد بهبود حال هنر و فرهنگ مان باشیم.» به بهانه راهاندازی جریان «ضد زرد» با دکتر افشین ر کی جریاں محمد روجہ با دسر احسین یداللہی، شاعر، ترانہ سارا و روانپز شک گفت گویی انجام دادہ ایم:

مه چیزازیک جرقه آغاز شد.دریکی از جلسات خانه ترانه، شعری درباره ۱۷۵۵ غواص شهید خوانده شد. من به دلیل شغلم سال ها با بازماندگان جنگ وجانبازان اعصاب وروان ومشكلات آنهااز نزديك نم. متاس أشناها فانه این شــعر از لحاظ فنی و زیبایی شناسی و حتی از نظر احساسی در شان ريب يى سنسي و سى ريس مى بر سنسى رسن ايثار گران نبود. من و ديگر دوستان به نقداين شعر پرداختيم ولى واكنش مخاطبان و دوستداران اين نساعر عليه مابدون دقت به نقدها بسيار تند ، این اتفاق مرا به این نتیجه رساند که مخاطبان ما دون شنیدن در ست اثر مان، دنباله روی ماهست . روی ... و روی ... روی ... فضاهای مجازی هماین وضع را تشدید کرده است. افراد بــدون خواندن، تعمق کردن، شــککردن و نقدكردن، كسى رالايك وفالومى كنند.مااحساس كرديم بايد يك جريان نقدبى طرفانه، محترمانه و ر ۱۳۰۰ - ۲۰۰۰ میلیمواتفاقااین کار رااز خودمان از کردهایم. پنجشــنبه هفته گذشته در جلسه بیسر آغاز کردہایم پنج خانه ترانه، ترانه هایمان را نقــد کردیم. این نقدها را در فضای مجازی هم منتشر خواهیم کرد تالز این طریق مخاطبان مان را دعوت به خواندن و

نعمق كردن كنيم. نعمی تردن نیچم. به نظر شــمااصــل مســأله و اینکه بخش زیادی از جامعه ما با مسأله مور د بحث مواجه چەدلىلريشەاىدارد؟

برخى از مانقدكردن رابلد نيستيم و ظرفيت و بر می ریاست بر انداریم. فکر می کنیم باید با فرهنگ نقدپذیری را نداریم. فکر می کنیم باید با قربانصدقه رفتن و احترامهای اضافی طرفداری خودمان رااثبات کنیے، گاهی هم فکر می کنیم چون چند کار موفق داشـــته ایم، نقد بــر ما جایز یســـت و به جایگاه غیرقابل نقد رسیده ایم. امروز رضعیت به نحوی است که بسیاری از ما توانایی و فرهنگ نقد کردن خودمــان را نداریم. در این بین رخی بدون ارایه دلیل و حتی در بسیاری موارد با ستفاده از چاشنی بی ادبی حرف شان را می زنند و ظر سلیقهای خود را در بوق و کرنا فریاد می زنند. این در حالی است که روی کاغذ نقد به این صورت است که باید برای ارایه آن مستنداتی اقامه شود و واستاس ديد تخصصي والبته با استفاده از لحن محترمانه امابدون تعارف مطرح شود موضوع لقدمسأله بسيار مهم وتعيين كنندهاى است؛ زيرا فردی که دست به نقد میزند برای شخصی که اثر را تولید کرده، برای خود اثر و البته برای مخاطبی ر، ہوتے۔ ارجاب رہی ہوتی ہوتی ہے۔ که بناست آن را بشنود اھمیت قابل است. از سوی دیگر این بحث کاملا جدی و به دور از تعارف ا

آخرین کار نوشتاری من با عنوان «ساختارشناسی ترانه»، در صف صدور مجوز

وزارت ارشــادقرار دارد و به محض دریافت مجوز بهچاپ خواهد رســید. کار روی این اثر را ســال ۸۱ آغاز کرده و سال ۸۳ بهعنوان پایان نامه دوره

فوق لیسانس در دانشـگاه علامه طباطبایی از آن

رن : دفاع کردم.از آن ســال تاکنون کمکم مطالبی را

۔ قطوری تبدیل شد تا این که حجم کتاب به حدود

۷۰۰ صفحه رسید. بررسی تاریخی ترانه در این کتاب از دوره پیش از اسلام و بابررسی ادبیات

آهنگین آغاز میشود و با رسیدن به دوره معاصر پایان می یابد. در این کتاب پیشینه، ادبیات و

یکُ نگاه تحلیل گرانهُ سیرُ تکاملی ترانه در ایران

" موردبررسی قرار گیرد. علاوه بر این، مباحث مختلف ترانه همچون معانی، بدیع، قافیه، وزن،

ردیف، محورهای عمودی و افقی، ترانگی و سایر

اختار ترانه به صـورت مفصل مــورد تحليل

ت. در نگارش کتاب سعی شده با

به کُتاب اضافه کر دم و با تقس و فصل هــای مختلف ايــن پاياننامــه به کتاب

قرار گرفته اس

بندى بخشها

گفتوگوی «شهروند»

مخاطبانش را در مقايسه با فلان همكارش بيشتر تمثل اينكه چندين پزشك بخواهنددر مورد . ساله بز شکے یک پیمار باہم صحبت کنند؛انتظار کند پااصلا بیشترین مخاطب آمتوجه خود کند. . که این پزشــکان بدون تعارف درباره این بوضوع با هم صحبت و مشـــورت کنند. در مور د ، سائل جدی تعارف معناندارد. در چنین شرایطی بسیاری از مردم تحت تاثیر اسامی قرار می گیرند و بر خینامهارادرفایل غیرقابل نقدهاقرار می دهند. این بخــش از مــردم آن نامها را مــوردانتقادقرار نمی دهند مگر اینکه چندین کار بی کیفیت و غیر علی مسلم کر ہے۔ قابل تحمل رااز آن افراد ببینند یا بشنوند. در غیر این صورت به صورت کور کورانه و بدون فکر کردن به کاری که شــاهدش هـ به کاری که شــاهدش هســتند، زبان به تعریف و نمجیدهای بیدلیل میگشــایند. در بسیاری از بوارد برخی از طرفداران یک هنرمند، بدون آنکه ۰Ĵ., انه او را بخوانند یا آهنگ او را بشنو اثر را لایک می کنند. در یــار مای موارد هم افراد به رویا ہے۔ سبب رودربایستی با طرف مقابل این کار را انجام میدھند. در چنین فضایی افراد دنبالہ رو لایکھا ىشوندوبه جاى أنكه به كيفيت كارهايشان

۱۷۵ پواس شهید خوانده شد. من به دلیل شغلم سال ها با بازماندگان جنگ و جانبازان

ى كەحرفش باعملش خيلى فاصلەدارد، دچار اين مسألەاست. برخى از ما آدمھا خاصهدر شعر البتهاين موضوع تاحدي يذير فته للمان يكي ني ح فمان باعم حرصان مسمان می باید می معداد سار میر می و محرح محرح محال پار مسمد به او محمد است. اگر حرف و عمل ما با هم یکی بود آدمهای خیلی بزرگی می شدیم. اما وقتی حرف با عمل به صورت کامل با هم منافات داشته باشند، فردر امستعد نشان دادن رفتارهای زردمی کنند. حتی ممکن است یک فرد، اثری هنری از خود به جا بگذار د

> ينديشــند و به بررســى نظرهاى كارشناسانه و دقيق مشغول شيوند، به تعداد لايکها، فالو ها و نین فیدبکهای آن کار فکر میکنند بنابراین ملاک بمبل در اینجا به ارایسه کار سنطحی و دنباله و لایک هابودن تبدیل می شود. حالا تعداد طرفداران است که ملاک عمل قرار می گیرد. فرهنگ لایک موجب می شــود چیزی که بیشــتر لایک بخورد مقبولیت بیشتری داشته باشد و این یعنی رفتن ه سیمت انتذال ، رفتن به سیمت زر د بیودن. در بن مسیر ممکن است کسیی که لزوما زرد نبود، در رقابت برای کسب و جلب نظر مخاطب، به هر چیزی فکر کند او از این به بعد به دنبال بالا بردن نعداد مخاطبانش خواهد بودو سعی می کند تعداد

ویژگیهای ترانه در این کتاب موردبررســی قرار گرفتهاست.مجموعه کتاب ساختار شناسی ترانه بیانگر تاریخ ما در حوزه ترانه است.در دوره آقای ىنْژادباچاپَ ايْنَ كَتَاب موافقت ن به عنو آن نمونه ترانه های روحوضی دهه ۲۰ و ۳۰ ممکن است ادبیات فاخر و چشمگیری نداشته باشد، اما نمی توانیم این موضوع را نادیده بگیریم بنه ادبيات فأخسر اجتماعياي که این آثار پیش د که منجر به ادبیات انقلابی ما شده اس يس نمى توانيم آنهــا راحذف كنيم. دوســـتان ، ای در وزارت ارشیاد دولت پیشین با انتقاد از نگارش دورههای خاصی از تاریخ ترانه و بررسی

ترانههای دوره نادری و قاجار از من خواستند یک فصل از کتاب را حذف کنم اما من در مورد حذف این قسمت از کُتاب کوتاه نیامدم از دیدُمن هر چنداین ترانهها با عرف چاپ کتابها در دوره ما هماهنگ نباشــداما دورهای از تاریخ ما است که نمی توان به راحتی آنها را نادیده گرفت یا از متن تاریخ حذف شان کرد. دو ناشر کتاب مهر و نغمه شهر بهصورت مشـــَتر ک کار را برعهده گرفتهاند

آقای بداللهی جریان «ضـدزرد» از چه زمانی آغازشد؟ . بر رایب

با افشین یداللهی درباره جریان «ضد زرد» دچار پرقان فرهنگی شدهایم . محدوديتهاما رابه اين روز انداخت

> بنابراین قرار گرفتن در این مسیر باعث می شود آن هنرمند یا اهل فرهنگ یا .. هر کاری که از دستش رمى آيدانجام دهُد تادر اين رقابت پيروز شُود. حالا ازخودنشان مىدهند صرفا يك ژس

ر تنه چیزی فراتر از آن. بنابراین در این فضاهیچ نوع جریانی از جنس اندیشــه وجود نــدارد. حالا بســتری فراهم شــده که با تکیه بر آن طرفداران نەتنىھا ھل اندىشەنيستندېلكەدر زمرەافرادى قرار می گیرند که آمدهاند تابی چون و چراطرفدار باشند! اگر بناباشد کسی بیایدو آن هنر مند یا طرفدارانش ا مورد نقد قرار دهد، شــاًهد رفتار های زُشــُت و

ـز از یــکجرقه آغاز شــد. در یکــی از جلســات خانــه ترانه، شــعری درباره اعماب وروان ومشکلات آنها از نزدیک آشنا هستم، ماسفانه این شعر از لحاظ فنی و زیبایی شناسی و حتی از نظر احساسی در شأن ایثار گوان نبود

۔ تاماهنرمندی که این اثر راخلق کر دودار ای افکار زردی باش . كەزردنىيە

زنندهاى خواهدبود حالايااين رفتار هااز سوى خود ُن نهبرمندصورت می گیردیااز سوی طرفداران دو تشه او آنهابه هیچ عنوان هیچ کسی رابه جز کسی که خودشــان را طرفدارش میدانند قبول ندارند. لبته گروهدیگری هم هستند که سوای نپذیرفتن البته گروه دیگری هُم هُستند که سوای نَپذیر فُتن نقد منتقد، بادشنام، بلاک کردن، ریپورت کردن و سایررفتارهای توهین آمیز به استقبال نقدمی روند اتفاقا برخی از همین افراد دشـــنام گو ژســـتها و متفكرانه وانديشــمندانه هم به خــود مى گيرند. وجود همین رویه ظاهری به پیچید، سيبزايى ييشتر موضوعمى انجامد. این اتفاق از کی شروع شد؟ آیا باید دلیل مسأله به وجود آمده راوجود فضاهای مجازی

که از چاپ این اثر دلســرد و نا شـــده بودم مجددا برای اخذ مجوز اقــدام نکردم. البته بیشـــنهادهایی به من ئـــد تا در خــارج از کشــور کُتــاب را منتشر کنماماترانه به شــيوه معمول . در کشـور ما در جـای دیگری

ا; دنیا مرسوم



یک اصطلاح پزشکی است اماً از نظر من در حُوزہ فرهنگ هم وجـود دارد و اتفاقا یک بیماری واگیر مسألهرايك تمثيل درنظر بگيريم بايد بگويم كسى که حرفش با عملش خیلی فاصله دارد، دچار این مسأله است. برخی از ما آدمها حرفمان با عملمان یکی نیست خاصه در شــعر. البته این موضوع تا ______ ی پذیرفته شده است. اگر حرف و عمل ما با هم

را پر قان فر هنگی می گذار م. در ست است که پر قان



درايرانبدانيم؟

هنظر من فضاهاى مجازى وسيلهاندواين مايير

که می توانیم بــرای کار کردهای مختلـف از آ

، مشخصی پشت ترانه نیست. یعنی فرد همین طور یک چیزی گفته است. ترانه به یک سوم دومش که میرسد، منطق یک سوم اول را نقض می کند وبعدمى رسدبه يكسوم يأياني ومنطق يكسوم دوم رانقض مى كند وقتى شمابه عنوان ترانهسرابه این نکات توجه نمی کنی و مخاطب شما هم به این موضوع فکر نمی کند، زردشدن اتفاق افتاده است. وقتی مخاطب شــعور خود را در این قضیه دخیل نمی کند، جو زده عمل کرده است. بنابراین سوال این است که اگر ترانه سرا منطق بیت های بالایی را در بخش های بعدی زیر سوال می برد، من به عنوان مخاطب چرا باید هیجان زده شوم؟ بگذارید مثال دیگری مطرح کنم قرض کنید یک اتفاق قهرمانانه افتاده و ما برای آن ترانه می گوییم. از دل سوزاندن



حدی پنیزیده سه است. از حرک و عمل میا هم یکی بود آدههای خیلی بزرگی می شدیم اماوقتی حرف با عمل به صورت کامل با هم مناقات داشت باشــند، فرد را مستعد نشــان دادن رفتار های زرد می کنند. حتی ممکن است یک فرد، اثری هنری

آينه تمام نماي ترانه و تصنيف ايران

نهای

تر شــدن و

ت و اگر من کتاب را در کشور دیگری چاپ کنم احتمالا مخاطب نخواهد داشت. اگر هم در خارج از کشــور چاپ می دیگر به هیچ عنوان شانس انتشار در ر بن ت بنا به همین دلایل کشور را ندا مُــن از چــاپ این اثــر منصرف شــدم. ناگفته نماند که اگر ۔ شــرايط برای چــاپ اين كتاب مهيا شود، هن بت دارم هم دوسا منتشر شود، چون سالھا برای تھیا این اثر تلاش کردمام وایننوشتهمیتواند منبع مفیدی

بــراي علاقهمنـــدان

مخاطباستفادهمي كنيم بهقول معروف جگرش را به صورت سسطحی به در د می آوریم اما دقيق تر مىشويم مىينىم اين ترانه نقض غرض بودهاست.مامىخواستيم،بعقهرمانانمان بيردازيم وياد آنها راگرامى بداريم اماعملا بااين كار آن اتفاق را کوچک کردهایم و سطحی ترین نگاه ممکن را روی این اتفاق داشته ایم و درواقع مخاطب را هم باخودمان به سطح آور دهایم. مخاطبی که دار داین كاررامى شنودبايد توجه كندكه آياتعابير شده برای این اتفاق در حدو اندازه های این اتفاق ، «یان این میکنید ماقهرمانی داریم و ر؟ مثلا فرض کنید ماقهرمانی داریم و استنابة دربارەاش بگوييم: «قربان پوســت سبزەات بروم. جگرم سوخت که با این پوست خوشگلت رفتهای زیر خاک این یعنی چه؟البته که ممکن است از سبزه بودن يوست آن قهرمان استفاده شاعرانه كنيم امانبايد آن المان رابه صورت زرد مورد استفادهقرار دهیم».

w.shahrvand-newspaper.i

ستاندر رضیم. برای توصیف آن قهرمان چەمی شود کرد؟ بایداز خصوصیات ظاهری اوصرفنظر کنیم؟ نه، می شـود ایــن المــان را به مفاهیــم دیگر متصل کرد و از زیبایی و تصویــر ظاهری، مفهوم عميق ترى به مخاطب داد. آن هم بدون شعار دادن و تظاهر کـردن به اینکه حرف نزر گـی زده ایم. اما اگر بگوییم بمیرم برایت، تو که با پوست سبزهات رفتی زیر خــاک و بقیه موارد هــم در همین حد تقسیم،بندی شود،این نقض غرض است و میشود شــعر زردبراى موضوعــى كه بايــد برايش اتفاق محترمانهای می افتاد من و دوستانم با سر گرمی م. همه ما نیاز داریم در پار های مواقع یکسری آهنگ غیرجدی گوش دهیم و از آنها لذت ببریم و بعدهم بگذریم. اساسا کسانی که همیشه جدی هستندو توان طنز و توان لذت بردن از تفریح کردن یا توان ساده گذشتن و لذت بردن ستن ولذت بردن ز چیزهای ســاده را ندارند، با افراطی که در پیش گرفتهاندو همه چیز را سخت گرفتهاند، گرفتار زرد شدن شدهاند. اینکه کسی از صبح تا شب همیشه جدی باشــد یا اینکه تمام زندگیاش معطوف بهرگرمی های معمول بدون عمق باش سد. وقتى يكى از اين دو حالت روال نتبحهم زندگییکفردشو دگی یک فردشود،به سطحی شدن می انجامد. در حسوزه ترانه، هنر ایسران وامدار نامهای پر سرر بزرگی است که بسیاری از آنها امروز دیگر تنمى كننديا درايران نيد از انقلاب هم ترانهسراهایی آمدند و جریان رانسه بعداز انقسلاب را پی پیزی کردن بر، ـــــبعد، را العــح ب را پی ریــزی گردند. در ادامه اما کســانی وار د این فضا شــدهاند که با دو نسـل قبلی تفاوتهای اساسی دارند. سیل ترانههای سرودهشدهدر فضای مجازی و کار ہایے کہ تا حدودزیادی شـبیہ بہ ہم تندشاهدیبرای ینمدعاست. .

تاماهنرمندى

ز خودبه جابگذارد که زردنیس

افراد براساس ا

متفاوتاست؟

ىدن فرە

که این اثر را خلق کرده دارای افکار زردی باشد.

احساس عمل کردن است. در این شرایط عمل

منظورم آين است كه فردبه دنبال لذت آنى مىرود

نه در پی مفهوم و تعقل. اگر یک فرد همیشــه د

زندگى خودبه دنبال مصلحت انديشي است باافراط

در این زمینه هم می شـود زرد بـودن را دامن زد.

ئسی که در یک منطق سطحی در جابزند و با این

كاررشدفردى وآگاهى خودرامتوقف كند،درگير

ئليشه و تكرار و مستعد نشان دادن رفتارهاى زرد

می سود. هنر، روانشناسسی، فرهنگ، عرفان و ... می تواننداز این رهگذر زردشوند. اگــر بخواهیم مســاله را در حــوزه هنری

بیشتر پیگیری کنیم،مسألهدر هنر خاصهدر حوزه فرهنگ پاپیولار جدی تر است. بهنظر

شماً آیا ذات موسیقی پاپ، با زرد شدنی که هماکنون در حال صحبت درباره آن هستیم

بهنوعى بله اينكه بتوانيم مخاطب زيادى راجذب

کنیم، اتفاقا برای موسیقی پاپ یک اتفاق مثبت را رقم زدهایم. اما مسأله این است آدمهایی که دارند

رىم(رمايچ، الاستىك يى است ، تېمىيى ت تارىخ جذب اين موسيقى مىشوند آيا (در حد دقتى كه بايد صرف موسيقى پاپ كنند) به كارهاى ما فكر

... کردهاند.بهعنوان مثال شعری که ترانه سرامی گوید باید منطق یکدستی داشته باشدواز استانداردهای

... لازم برای یک کار سر گرم کننده که می خواهد هیت یابه قول بعضی هامگاهیت شود بر خوردار باشد. آیا

ر همین چهار چوب کیفیت خــود را حفظ کرده

نير؟ امروزه ترانه هايي مي شــنويم كه در طول

۸-۶ بیت منطق خود را نقض می کند. اساسا تفکر

به دوره خنیاگران اختصاص دارد. چگونگی تکامل

ر نمیزند بلکه حاصل یک احساس آنی است.

،یگر تبعیت کور کورانه،جو گیری ویراساس

بشه و تعمقٌ در موضّوع از آنها

بعداز انقلاب باز هم کســانی که کار می کردند افسرادي بودند كه به كارشسان تعهد ه می خواستند تا آن جا که می توانند کار خوب ارایه دهند. شـاید برخی از آنها در ابتدا دنباله و ترانهسـراهای گذشـته بودند اما در ادامه مسیر ر خودشان را پیدا کردند و زبان خود را یافتند و حرف خودشان را زدند. بنابراین کارشان تکرار ئذشـــتەھا نبود. ھمينطور كە پيش مىرفتيم اتفاقـــات خوبی داشــت میافتــاد. کارهایی که لایههای مختلفی داشت، کلامش منسجم بود، ســعی می کرد حرفی برای گفتن داشـــته باشد؛ تصویر، اتفاق و زبان تازهای شکل دهد. بعداز یک تصوير، مدت اما یک سری از ممیزی هاباعث شد یکسری از تصاوير و كلمات وُجود نُداشته باشند؛ بعضي از ِ ضامین و کلمات وجود نداشته باشند؛ به بعضی از مضمون ها و موضوعات پر داخته نشود. در انتها بْنَا شد حُرْفي كَهْ از عُشق زدْه مي شود شَير بي يال و دم و اشکم باشد و بحث های اجتماعی هم حذف ــد. وقتی محدودیتهای بیش از حد در حوزه ترانه و موسیقی ایجاد میشود، فشار به وجود آمُده بُه بدُنه جامعه وارد می شُـود و آن فُشـار از منافذ دیگر خارج می شود. درواقع محدودیت ها ما را به این روز انداخت. چون ترانههای خوب زیاد ندر به یی روز منه عنه پوی برت می طوب رید شنیده نمی شود، هر کسی ممکن است به تولید اثر (از ترانه گفتن تا ساختن موسیقی و ــ) مشغول ار را را با مسلم این ایک افراد مسلط و نخبه شـود. درواقع به جای آنکه افراد مسلط و نخبه در فضای مساعد تاثیر خود را بگذارند با توجه به محدودیتهای ایجاد شــده افراد دیگر به عرصه واردمي شوند.

شعر و آهنگ و بررسی قرار گرفتن این دو در دل یکدیگر بهصورت زمانبندی شــده مورد تحلیل قرار می گیرد. البته بررسی همهجانبه، کار گاهی و علمی این کتاب مربوط بــه دوره پس از آغاز کار رادبو در ایران یعنی همان سال ۱۳۱۴ است.از سال را پر برای می استان می استان می از مورد شکل گیری ۱۳۱۹ به بعد مطالب کتاب در مورد شکل گیری ترانه منســجم تر و مفصل تــر می شــود. از آثار برد. هنرمندانی چون مرحوم رهــی معیری، مرحوم بیژن ترقی، قدمعلی سرامی، مرحوم بهادر یگانه تا شــهریار قنبری و ترانه سرایان دوره معاصر نام برده شــده و برخی از آثار به عنوان نمونه آمده و ضعف تالیف ها و مشکلات ساختاری ترانه مورد بررسی قرار گرفته است. با این توضیحات کتاب بررسی قرار گرفته است. با این توضیحات کتاب ساختار شناســی ترانه را می توان آینه تمام نمای ترانــه و تصنیـف ایــران نامیــد کــه از ادبیات آهُنگينُ ما در زمان هاي قديم پديد آمد رهاورد این کتاب برای اساتید، دانشـجویان و عُلاقهمنـدان حرفه ای ترانه مفیـد خواهد بود و امیدوارم بتواند به پیشـرفت در ترانه امروز ایران کمک کند



اهوراايمان ترانهسرا ، پژوهـ ش در تن مــن باقی ت. پس از آن هم به آن دلیل , د و نامىد

وقرار است این اثر را در یک جلد منتشر کنند. . رور ساختارشناســی ترانه در دولت گذشــته بتوانست مجوز چاپ بگیرد و خستگی يک دهــه پژوهــش در تن مـ